

کرونا از رگ گردن هم نزدیکتر است



یلدا را در خانه جشن بگیریم

بهروز سورن

بسیاری در ابتدای شیوع ویروس کرونا آنرا جدی نمی‌گرفتند. بسیاری دیگر آنرا نقشه ای برای تغییر مناسبات موجود توسط بالایی ها! میدانستند و بسیاری دیگر آنرا دروغ بزرگ میخواندند. هنوز هم هستند کسانی که به آن باور ندارند و پیاپی از اجرای قواعد مبارزه با پاندمی موجود سر باز میزنند. آمارها و داده های خبری منابع مربوط به مراکز بهداشت و درمان و یا گزارشات رسمی کشورها را سناریو تغییر میدانند. حقیقت اما رفته رفته تصاویر دیگری را به جوامع انسانی نشان میدهد. شکی نیست که آمار بسیاری از کشورها با حقایق مطابقت ندارد. نه از اینجهت که شمار مبتلایان و مرگ و میر را از خودشان در می آورند بلکه بسیار نازلتر ارائه میدهند.

اول اینکه ناتوان از شناسایی دقیق مبتلایان حقیقی در میان جمعیت هستند و دوم اینکه جهت جلوگیری از سراسیمگی و احیانا اعتراضات علیه مناسبات حاکم شمار و میزان رسانه ای شدن آنها را بنوعی مهندسی میکنند. تقریبا غالب دول حاکم کشورها کم یا زیاد از این

دو مولفه سود میبرند. جامعه پزشکی مدتهاست که با سودآوری در مجموع پیوند خورده است. امروزه در کشورهایی همانند ایران بیماران کرونایی که امکان پرداخت مخارج سنگین معاینه و مداوا را ندارند به پشت درب بیمارستانها هم نمیرسند. در خانه و یا صحن خیابانها جان میدهند. آنها نیز که در بیمارستانها و بهداریها وظایف شغلی و انسانی خود برای مداوای بیماران کرونایی را انجام میدهند نیز به پایان خود رسیده اند.

پرسنل درمانی در کشورمان با شرایطی بسیار مخاطره آمیزتر نسبت به کشورهای صنعتی پیشرفته درگیرند. بسیار بیشتر از ظرفیت های استاندارد در کشور بیمار پذیرفته اند و شرایطی غیرعادی و نیرویی مضاعف را ارائه میدهند و حتی پاداش این جانفشانی را نیز دریافت نمیکنند. پرستاران و کادر درمانی به آخر خط رسیده اند. خسته و فرسوده با کمترین امکان حفاظتی به مقابله با کرونا رفته اند که نزدیک به یکسال خواب را از چشم بشریت ربوده است.

آنها میگویند که ماهها از دیدار خانواده خود محروم میمانند و تنها با یک ماسک ساده با بسیاری از مبتلایان روبرو میشوند و به درمان آنها میپردازند. بسیاری از پرسنل درمانی همانطور که در گزارشها آمده است جان باخته اند و بسیاری دیگر خود به کرونا مبتلا و سپس پس از بهبودی به درمان آنها ادامه میدهند. از پرستاری نقل شده بود که تعدادی از پرستاران برای چندمین بار به کرونا مبتلا شده اند. این اوضاع مختص به ایران تنها نیست.

در قلب اروپا با پرستاری دیدار داشتم پس از شبکاری اش در یک بیمارستان بزرگ. چهره اش علیرغم پوشیده شدن آن با ماسک اما نشان از خورد و خمیر شدن اش در طی یک شیفت شبانه را داشت. خطوت سرخ شده روی گونه هایش را میتوانستم ببینم. این خطوط رفته رفته به زخم تبدیل میشود و حتی تحمل همین ماسک را هم از پرستاران میگیرد. میدانستم در بخشی کار میکند که فقط بیماران مبتلا به این ویروس را پذیرش و مداوا میکنند و یا همراهی تا مرگ.

از حالش پرسیدم؟

انگار که منتظر این سوال بود و با چشمانی مرطوب گفت:

خیلی بد و الان میرم خانه و نیم ساعت دوش داغ میگیرم تا اگر ویروسی از لای لباسهای ویژه بر بدنم نشسته باشد، شسته و دور شود تا بتوانم بخوابم و دوباره امشب شیفت شبانه ام را انجام دهم.

کنجکاو تر شدم و پرسیدم چه خبر است در آن بخش؟

گفت: اوضاع وحشتناک و فجیع است. نیمی از بیماران و اغلب پیرترها را همراهی میکنیم تا بمیرند و تنگی نفس همگانی آنها در بسیاری از موارد صاعقه وار همه پرسنل را سورپریز میکند.

می گفت در شرایطی خاص لباسهای مخصوص آنها برای درمان بیماران کرونایی شباهت زیادی به افرادی دارد که در مناطق آلوده به مواد شیمیایی یا رادیو اکتیو انجام وظیفه می کنند. ماسک های خرطومی! همین امکانات حفاظتی برای پرستاران در ایران موجود نیست و نه از امنیت شخصی حین کار برخوردارند و نه از امنیت شغلی!

دستمزد پائین آنها و گرانی و تورم مزمن و غیر عادی آنها را مجبور میکند تا روزانه در چند بیمارستان کار کنند. در طول مدت زمانی که سر و کله این ویروس آدمخوار پیدا شده است دستمزد این طیف اجتماعی اصلا تغییری بخود ندیده است. مسئولین جمهوری اسلامی که در ابتدا این ویروس را با سرماخوردگی ساده برابر دانسته و سعی در ایجاد آرامش اجتماعی کاذب داشتند در روند پیشرفت این پاندمی نیز رکورد زدند و بارها موضوع روز رسانه های بین المللی شدند. آنها نشان دادند که نمیخواهند و نمی توانند در برابر اینگونه فجایع تدابیر ضروری را اتخاذ و برقرار کنند و در کنار مردم کشورمان بایستند. آنها از اینگونه وقایع برای پر کردن جیب خود و وابستگیان شان بهره برده و همزمان به فال نیک میگیرند و سرکوب مضاعف اعتراضات و اعتصابات را سامان میدهند.

چه در ایران و یا کشورهای منطقه و چه در قلب کشورهای اروپایی با تجهیزات مجهزتر، هستند بسیاری که به هر دلیلی تدابیر بهداشتی را رعایت نمی کنند و از اطلاع دادن به محل کار یا تجمع رسمی خود پرهیز میکنند. این طیف ممکن است که علائمی خفیف از این بیماری را داشته باشند اما در سطح وسیع ناقل این ویروس به سایرین خواهند بود. از سویی فشارهای مالی و وحشت از بیکاری آنها را ناگزیر به سکوت میکند و از جهتی در معرض خطر قرار دادن محیط تماس راهی برای توجیه این ناهنجاری رفتاری باقی نمیگذارد.

کرونا نه تنها یک حقیقت است که واقعیتی عینی و هولناک است. یلدا نزدیک است و برای حفاظت از نزدیکان مان و همبستگی انسانی و با یاد عزیزانمان در خانه بمانیم

بهروز سورن

18.12.2020

منبع نوشته

آگاهی نیوز
info@agahi.new

«قرنطینه بزرگ» ویرانگر در جهان سوم



چگونه همه گیری کوید-19 و وابستگی کشورهای فقیر
را افزایش می دهد

ژیلبر آشکار

استاد مطالعات توسعه در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقائی در

ترجمه بهروز عارفی

با همه گیری کوید-19، کره زمین وخیم ترین بحران اقتصادی اش را از دوران بین دو جنگ جهانی تاکنون، می گذراند. اگرچه آثار «قرنطینه بزرگ» نظیر انفجار میزان بیکاری، ناامنی غذایی، عقب ماندگی آموزشی ...، در همه جا محسوس است، در کشورهای فقیر میزان آن افزایش یافته است. در این نقاط، بخش غیررسمی که مترادف با نبود بیمه های اجتماعی است، جایگاه مهمی اشغال می کند.

به همان صورتی که پیامدهای تغییرات در همه منطقه ها محسوس است، همه گیری کوید-19 هیچ کس را از ثروتمند تا فقیر، رهبر دولتی یا پناهنده، در امان نگذاشته است. باوجود این، می دانیم که تاثیرات این بحران جهانی بر همه انسان ها یکسان نیست. علاوه بر این که آسیب پذیری افراد بسته به سن یا ضریب خطر متفاوت است، اثرات همه گیری، مثل گرم شدن هوا، در سطح جهانی و نیز در هر کشور با توجه به خطوط شکاف سنتی میان ثروتمندان و مستمندان، سفید پوستان یا غیر سفیدپوستان و غیره متفاوت است. مسلم است که ابتلای دونالد ترامپ ثابت کرد که ویروس توجه خاصی به مقام سیاسی ندارد، اما مراقبت ویژه ای که رئیس جمهوری آمریکا با هزینه بیش از صد هزار دلار برای سه روز بستری شدن در بیمارستان (1)، از آن بهره مند شد، نشان می دهد که اگر انسان ها در برابر بیماری و مرگ برابرند، همان طوری که جورج اورول در مزرعه حیوانات می نویسد، «برخی برابرتر هستند».

مثل معمول، در بحران اقتصادی کنونی، بیش از همه، جهان سوم به سختی از بحرانی آسیب دیده است که صندوق جهانی پول در گزارش نیم سالانه خود در آوریل 2020، آن را «قرنطینه بزرگ» نامیده (2) است. بحران اقتصادی ای که هم اکنون، به مثابه وخیم ترین بحران از زمان رکود بزرگ بین دو جنگ جهانی است. از هنگامی که آلفرد سوووی در سال 1952، واژه سه جهان را ابداع کرد، سه جهان، طبقه سوم [منظور افراد طبقات پائین] در سطح کره جهان است که در بین آن ها، فقط چند کشور آسیای خاوری توانسته اند گلیم خود را از آب بیرون کشند. در این جا، پیرو نام گذاری بانک جهانی، جهان سوم را مجموعه کشورهای دارای درآمد ناچیز و نیز کشورهایی که درآمد بینابینی

دارند (بخش پائین و بالا) به استثنای چین و روسیه به شمار می آوریم، هرچند که این دو کشور دارای درآمدهای بینابینی بالا هستند اما از قدرت های جهانی به شمار می روند.

آسیب پذیری کارگران غیررسمی

«قرنطینه بزرگ» در سطح بین المللی موجب شدت یافتن بیکاری شد. زیرا اثرات منفی این بیکاری در کشورهای جهان سوم بسیار شدیدتر از کشورهای ثروتمند است که اغلب با اتخاذ تصمیمات پرهزینه پیامدهای منفی آن را کاهش دادند. در طول سه دوره سه ماهه نخست سال 2020، به طور متوسط، معادل 332 میلیون شغل تمام وقت در جهان از بین رفته است، یعنی معادل 7/11 درصد کاهش نسبت به آخرین سه ماهه سال 2019. در این بین، پیرو آمار سازمان جهانی کار، 143 میلیون شغل در کشورهای نابود شده که درآمدهای بینابینی پائین دارند (14-%) و 128 میلیون شغل در کشورهای دارای درآمدهای بینابینی بالا (11-%) و 43 میلیون (9/4-%) نیز در کشورهای ثروتمند از بین رفته است (3). و اگر در همان دوره، دولت های کم درآمد، «فقط» معادل 19 میلیون شغل از دست دادند (9-%)، این رقم به سختی می تواند تاثیر اجتماعی-اقتصادی بحران را بر آن ها نشان دهد. در واقع، در این کشورها، مثل کشورهای دارای درآمدهای بینابینی پائین، اکثریت قابل ملاحظه شغل ها و فعالیت های مستقل در بخش غیررسمی قرار دارد که 60% کار جهانی را جذب می کند و بنا برتعریف، فاقد هرگونه پوشش اجتماعی است.

بانک جهانی در یک گزارش جدید، تخمین می زند که فقر فوق العاده - که به عقیده بانک، زندگی با کمتر از 90/1 دلار در روز است - در سال 2020 در اثر همه گیری، برای اولین بار از سال 1998، پس از بحران مالی آسیا در سال 1997 افزایش یافته است. (4) آسیای جنوبی از حیث قدر مطلق بیشترین آسیب را دیده است؛ امسال، از 49 تا 5/56 میلیون نفر بیشتر از پیش بینی قبل از همه گیری یا به زیر خط می روند یا روی آن می مانند. در آفریقای جنوب صحرا، این میزان از 26 تا 40 میلیون نفر خواهد بود، نکته ای که موقعیت این شبه قاره را به مثابه منطقه ای از جهان که دارای فقر فوق العاده زیاد است، تائید می کند. برای کشورهای درحال توسعه آسیای خاوری، تغییرات بین 6/17 و 7/20 میلیون نفر خواهد بود (5)؛ ممکن است که این رقم در آمریکای لاتین به 8/4 میلیون نفر و در منطقه خاور نزدیک-آفریقای شمالی به 4/3 میلیون نفر برسد. روی هم رفته، بر پایه آمار بانک جهانی، در سال 2020، در اثر همه گیری، از 88 تا 115

میلیون نفر به زیر خط 9/1 دلار رفته یا در این سطح باقی خواهند ماند. افزایش آشکار شمار افراد بسیار فقیر نسبت به سال 2019 بین 60 تا 86 میلیون خواهد بود.

از همان سال 2013، شتاب دگرگونی اقلیمی، که نخستین قربانیانش، مستمندان هستند و نیز مناقشه های جدید از جمله در سوریه و یمن و جنوب سودان، موجب کُنشدن عقب نشینی فقر شده بود. «قرنطینه بزرگ» رسیدن به هدف توسعه پایدار در رابطه با فقر فوق العاده را که سازمان ملل متحد، موعد آن را 2030 تعیین کرده بود، ناممکن می سازد. هدف این برنامه کاهش میزان جهانی فقر به 3% بود. در سال 2015، میزان آن 10% بود که معادل 736 میلیون نفر است. بنا بر آمار بانک جهانی، میزان آن در سال 2030 به حدود 7% خواهد رسید.

در ماه ژوئیه، اداره هماهنگی امور انسانی OCHA سازمان ملل خطر را هشدار داد. مارک لاکوک، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد برای امور انسانی در مقدمه گزارش خود، اوضاع را چنین شرح داد: «برآوردهای جدید حاکی از این است که تا شش هزار کودک در روز ممکن است به علت های قابل اجتناب، در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با کوید-19 بمیرند. تخصیص وسایل بهداشتی به کووید می تواند به دوبرابر شدن شمار مرگ های ناشی از ایدز، سل و مالاریا شود. بسته شدن مدرسه ها موجب فرسایش تولید، کاهش درآمدها در همه دوران زندگی و افزایش نابرابری خواهد شد. رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و کاهش تعداد دانش آموزان احتمال جنگ داخلی را افزایش می دهد، که موجب بروز قحطی و گرسنگی و کوچ جمعیت می شود (6)».

حتی در نبود جنگ های جدید، گرسنگی (قحطی) بسیار رشد کرده است. به موجب گزارش OCHA در ناحیه هائی که قبلا دچار این بلا بود، همه گیری آن را بدتر کرده و مراکز شیوع جدیدی ایجاد کرده است. بدون کمک سریع و گسترده ی کشورهای ثروتمند، شمار افرادی که در اوضاع ناامنی غذایی زندگی می کنند، پیش از پایان سال به 270 میلیون نفر خواهد رسید (در مقابل 149 میلیون نفر پیش از همه گیری). در حالی که طبق گزارش سالیانه دبیرکل سازمان ملل متحد، در ماه سپتامبر، از 3/10 میلیارد دلار درخواستی این اداره هماهنگی، فقط 5/2 میلیارد پرداخت شده بود. و با جایزه نوبل یک میلیونی صلح که به برنامه غذایی جهانی اهدا شده، نمی توان کمبودها را رفع کرد. آیا دلیل آن مٌسری نبودن قحطی و گرسنگی و برخلاف ویروس، عدم عبور آن از مرزها از طریق مهاجران است ؟ 13 اکتبر گذشته، بانک جهانی 12 میلیارد دلار جهت برنامه واکسیناسیون و تست علیه کوید-19

به کشورهای درحال توسعه اختصاص داد.

کوچ شهری مهاجران هندی

ازسوی دیگر، برنامه «هر زن وهر کودک»، که در سال 2010 سازمان ملل به راه انداخته وسازمان جهانی بهداشت و بنیاد سازمان ملل برای کودکان، مشترکا آن را اداره می کنند، در آخرین گزارش خود هشدار می دهد که تعطیلی مدرسه ها در اثر همه گیری به این معنی است که بسیاری از کودکان، احتمالا هرگز راه مدرسه را در کشورهای جهان سوم طی نخواهند کرد (8). در نتیجه، آن ها در مخاطره ی میزان بالائی از خشونت های خانوادگی قرارداشته و دختران نیز با احتمال زیاد حاملگی های زودرس مواجه خواهندشد. در این گزارش می خوانیم که «قرنطینه بزرگ» ممکن است یک سوم پیشرفت های کنونی در کارزار خشونت زدائی جنسی را که با چشم انداز سال 2030 انجام می شد، ازبین ببرد و درنتیجه موجب 13 میلیون ازدواج اضافی کودکان در ده سال آینده خواهد شد.

آقای لاکوک توضیح می دهد که «این امر اجتناب ناپذیر نیست. ملت ها می توانند با مقداری پول و اراده این کار را انجام دهند. ما هزینه حفاظت ده درصد از فقیرترین افراد علیه بدترین اثرات همه گیری و رکود را 90 میلیارد دلار تخمین می زنیم یعنی کمتر از هزینه 1% برنامه راه اندازی مجدد که دولت های ثروتمند برای حمایت از اقتصادشان اختصاص داده اند». در واقع، به گفته صندوق جهانی پول، جمع هزینه برنامه راه اندازی مجدد در جهان به 11700 میلیارد دلار در سپتامبر می رسد، یعنی 12% تولید ناخالص داخلی جهان، که عمده آن به کشورهای دارای درآمد بالا مربوط می شود (9). میزان کلی بدهی واقعی این کشورها از 120% تولیدناخالص داخلی گذشته است - میزانی که درگذشته فقط یک بار در تاریخ سرمایه داری رخ داده بود یعنی در پایان جنگ جهانی دوم. در حالی که، به عقیده سازمان جهانی کار، 937 میلیارد دلاربرای جبران نابودی شغل ها در کشورهای دارای درآمد بینابینی پائین کافی است و 45 میلیارد دلار برای کشورهای دارای درآمد پائین مورد نیاز است یعنی مجموعا 982 میلیارد دلاربرای کلیه دولت هائی که اکثریت جمعیت جهان را دربر می گیرند.

کمک های ضروری به کشورهای فقیر در مقایسه با هزینه تصمیمات دولت های کشورهای ثروتمند، رقمی ناچیز ولی اضطراری است. سه پژوهشگر صندوق جهانی پول، درمورد اثرات درازمدت بحران بر روی کشورهای کم

درآمد هشدار دادند. آن‌ها از واژه scarring (یعنی دقیقا به معنی «باقی گذاشتن اثر زخم») استفاده کردند که اتلاف دائمی ظرفیت تولید را مشخص می‌کند. «اسکارینگ» میراث همه‌گیرهای پیشین بود؛ اخلاقیاتی [قوی تر]؛ وخامت بهداشت و آموزش که موجب کاهش درآمدهای آینده می‌شود؛ مصرف پس‌اندازو دارائی که بسته شدن موسسه‌ها به بار می‌آورد- به ویژه موسسه‌های کوچک که به اعتبار بانکی دسترسی ندارند - و منجر به اخلاص جبران ناپذیر در تولید می‌شود؛ و در نتیجه مقروض شدن بی‌اندازه که هزینه وام‌های بخش خصوصی را سنگین تر می‌کند. به این صورت بود که پس از همه‌گیری ویروس ابولا در سال 2013، اقتصاد سیررالئون هرگز نتوانست راه رشد پیش از بحران را پیدا کند (10).

هندوستان، پرجمعیت‌ترین کشور جهان سوم، همچنین یکی از آسیب‌دیده‌ترین کشورها در اثر «قرنطینه بزرگ» است. تولید ناخالص داخلی آن در سه ماهه دوم سال 2020، نزدیک به یک چهارم (9/23-%) کاهش یافته است. جفری گتلمن، مدیر شعبه نیویورک تایمز در دهلی نو، توضیح می‌دهد که این امر ضربه‌ای کاری بر «امیال تبدیل هند به قدرت جهانی، خروج از فقر و تجهیز نیروهای ارتش» وارد کرده است. مدیریت نامنظم نارندرا مودی، نخست‌وزیر راست‌گرای افراطی نشان داد که می‌توان با تکرار مشابه تصمیماتی که در کشورهایی با موقعیت‌های متفاوت رخ داده، در کشوری که از نظر جامعه شناختی و جمعیتی متفاوت است، با مخاطره‌هایی جدی روبرو شد.

گتلمن تعریف می‌کند که ساعت 20، روز 24 مارس، مودی پس از دادن دستور قرنطینه به همه‌های هند، درهای اقتصاد را بست - اداره‌ها، کارخانه‌ها، جاده‌ها، قطارها، مرزهای بین‌ایالتی [درون اتحادیه هند]، تقریبا همه چیز با دادن مهلتی چهارساعته، تعطیل شد. ده‌ها میلیون هندی بلافاصله کارشان را از دست دادند. بسیاری در کارخانه‌ها، در تاسیسات ساختمانی یا به عنوان خدمتکار منزل در شهرها کار می‌کردند و از روستاهای هند کوچ کرده بودند. میلیون نفر از آنان از ترس مرگ در اثر گرسنگی در آلودگی‌ها، مرکز شهرها را با پای پیاده، دوچرخه یا اتواستوپ ترک کرده و نومیدانه برای رسیدن به روستای خود تلاش می‌کردند؛ مهاجرتی وارونه، از شهر به روستا، برخلاف زمان عادی، که هند هرگز نظیرش را به خود ندیده بود، موجب سرایت ویروس در هر گوشه این کشور 3/1 میلیارد نفری شد (11).

اما با 6/6 میلیون «یقه سفید» که یک باره بیکار شدند و افزایش میزان خودکشی در بین مدیران و حرفه‌های آزاد، طبقه متوسط هند نیز

از آسیب برکنار نماند (12). حکومت آقای مودی با یک سلسله برنامه دوباره راه اندازی ... ده میلیارد دلاری پاسخ داد - می توان آن را با 2000 میلیارد دلار طرح آمریکای چهار برابر کم جمعیت تر در ماه مارس مقایسه کرد.

ششم اکتبر، کریستالینا جورجیووا، رئیس کل صندوق جهانی پول با شادمانی اظهارداشت که اتخاذ تصمیمات استثنائی امکان داد که اقتصاد جهانی بهتر از آنچه تصور می‌رفت در برابر اثرات «قرنطینه بزرگ» مقاومت کند. او افزود که اگر تاکنون بدترین حالت پیش نیامده «عمدتا به دلیل اتخاذ تصمیمات استثنائی است که مانع از فروپاشیدن اقتصاد جهانی شد. هیئت های حاکمه تقریبا 12000 میلیارد دلار کمک هزینه به خانواده ها و شرکت ها پرداخت کردند. تصمیمات سیاسی مالی بی سابقه جریان اعتبار را حفظ کرده و به میلیون ها موسسه امکان داد تا سر پا بمانند. (13)». با وجود این، رئیس صندوق جهانی پول ضروری دانست تاکید کند: «برخی کشورها بیشتر از دیگران توانستند انجام دهند. کشورهای پیشرفته هر آن چه لازم بود، انجام دادند. کشورهای فقیرتر در حد امکانات خویش کوشیدند.»

تشخیص او برای کشورهای جهان سوم چنین است: «کشورهای نوظهور و نیز کشورهای کم درآمد و کشورهای بی ثبات در شرایط ناپایداری مانده اند. آن ها دارای نظام بهداشتی نامناسب هستند. این کشورها به حوزه های آسیب دیده نظیر جهانگردی و صادرات مواد اولیه بسیار متکی هستند. همچنین، اینان سخت به منابع مالی بیگانه وابسته اند. فراوانی نقدینه و میزان پائین بهره بانکی به بسیاری از کشورهای نوظهور کمک کرد تا دوباره وام گیرند - اما هیچ یک از کشورهای آفریقای جنوب صحرا از ماه مارس قرض خارجی دریافت نکرده است.»

درحقیقت، یک بار دیگر، قاره آفریقا به شدت آسیب دیده است. به نقل از بانک آفریقائی توسعه BAD، انقباض پیش بینی شده برای رشد در سال 2020 برای آفریقا به میزان 145 تا 190 میلیارد دلار نسبت به 2590 میلیارد تولید ناخالص داخلی پیش بینی شده قبل از همه گیری است. (14) این بانک تخمین می زند که در سال 2021 با کاهش معادل 28 تا 47 میلیارد نسبت به برنامه های پیش بینی شده روبرو شوند. به ویژه دولت های «به شدت مقروض که اقتصاد عمدتا بر کمک های مالی بین المللی تکیه می کند، به دلیل ناپایداری بودن این کمک ها» به شدت آسیب پذیر شده اند.

این اعتبارها در واقع بسیار تحلیل رفته اند. علاوه بر اثرات

جهانی «قرنطینه بزرگ» بر اقتصاد خود این کشورها، اثرات جانبی بحرانی را که کشورهای ثروتمند را فراگرفته، به صورتی شدید مجموعه جهان سوم را تهدید می کند. به ویژه، سقوط ناگهانی جریان پولی و سرمایه گذاری ها در کشورهای درحال توسعه و در وهله اول قطع ارسال کمک های مالی کارگران مهاجر نتیجه این وضعیت است. یکی از اثرهای جهانی شدن، در ارتباط دوگانه با گردش افراد و پول، این است که این کمک های مالی - موسوم به «حواله های مهاجرتی» - از زمان تغییر قرن تا کنون به طور پیوسته ادامه داشته است. میزان این کمک ها در سال 2019، برای اولین بار با رسیدن به رقم رکورد 554 میلیارد دلار، از سرمایه گذاری های مستقیم خارجی بیشتر شده است. میزان این سرمایه گذاری ها در کشورهای درحال توسعه در ده سال گذشته، مرتبا کاهش یافته، پس از این که به 700 میلیارد دلار رسیده بود (15). از سوی دیگر، از آغاز قرن جاری، حواله های مهاجرتی همواره از میزان سرمایه گذاری های خصوصی اوراق بهادار و سهام به مقصد کشورهای جهان سوم و نیز از کمک های همگانی به توسعه - با فاصله بسیار حتی در مورد کمک آخری تجاوز کرده، در حالی که میزان آن در سال 2019 با 8/152 میلیارد دلار رکورد را شکسته بود (16).

بدهی ای بیش از اندازه، سنگین تر از پیش

مشارکت کارگران مهاجر در بسیاری از کشورهای آفریقائی، مثل سنگال، زیمبابوه به ده درصد تولید ناخالص داخلی رسیده یا از آن گذشته است و در مورد سودان جنوبی حتی بیش از 34 درصد بود؛ در مورد جمهوری های پیشین شوروی در قفقاز و آسیای مرکزی که فاقد ثروت های نفتی هستند (نزدیک به 30% برای قیرقیزستان و تاجیکستان)، برای اردن، یمن، لبنان و سرزمین های فلسطینی در خاورمیانه، برای نپال (27%)، پاکستان و سریلانکا (هرکدام نزدیک به 8%)، در آسیای جنوبی؛ برای فیلیپین در آسیای خاوری و برای چندین دولت آمریکای مرکزی، از جمله ال سالوادور و هندوراس (نزدیک به 20%) و هائیتی (17%) می باشد.

درچنین اوضاعی، بانک جهانی پیش بینی می کند که مهاجران بیش از هر قشری قربانی بیکاری و کاهش دستمزد می شوند، لذا ارسال کمک مالی به کشورهای درحال توسعه به میزان 20% یعنی بیش از 110 میلیارد دلار کاهش خواهد یافت. از طرف دیگر، کنفرانس سازمان ملل برای بازرگانی و توسعه (Cnuced) ارزیابی می کند که «سرمایه گذاری مستقیم خارجی» به مقصد کشورهای آفریقا، در سال 2020 به میزان 25 تا 40% کاهش خواهد یافت، در حالی که در سال 2019، کاهش معادل 10%

را تحمل کرده بود (18). برای کشورهای در حال توسعه آسیا، که به اختلال در زنجیره جهانی تامین مواد مصرفی بسیار حساس هستند، کاهش سرمایه گذاری های خارجی به 30 تا 45% و در مورد آمریکای لاتین تا 50% می رسد.

مشکل فزاینده بدهی را باید به این مسئله اضافه کرد. بازپرداخت بدهی کشورهای در حال توسعه به بالاترین میزان خود از آغاز قرن رسیده است (19). به طورمتوسط 3/14 درآمد کشورهای مورد نظر در سال 2020 به این منظور صرف شده است در حالی که در سال 2010، میزان آن 7/6 درصد بود. بسیاری از این کشورها نظیر گابون با اوضاع اسف باری روبرو هستند، بازپرداخت بدهی ها 5/59% درآمد کلی دولتی را شامل می شود. این میزان در غنا (2/50%)، آنگولا (46%)، یا پاکستان (35%) است. پنجاه و دو کشور جهان 15% درآمدشان را صرف بازپرداخت بدهی ها می کنند، این رقم به ترتیب در سال 2018، 31%، 2017 27% و در 2015، 22% بود.

در مقابل این اوضاع اضطراری، با توجه به همه گیری کنونی، مسئولان مالی بین المللی پشت سرهم سخنان مساعد و خیرخواهانه در مورد لزوم سبک کردن بدهی کشورهای جهان سوم بر زبان می آورند. از جمله، داوید مالپاس، رئیس بانک جهانی و کارمن راینهارت، مدیراقتصادی آن، از لغو بدهی کشورهای در حال توسعه حرف می زنند تا آن ها بتوانند دوباره قرض جدید بگیرند (20). اما، واقعیت کمتر فرح زاست، همان طوری که «کمیتتیه برای الغای بدهی های ناحق» (CADTM) اظهار می دارد: «پس از شیوع همه گیری، کشورهای موسوم به "20بزرگ" G20 برای تصفیه بدهی های دوجانبه برای دوره از مه تا دسامبر 2020، مهلتی قانونی قائل شدند (...). از میان 73 کشور انتخاب شده، در واقع فقط 42 کشور توانستند با "کلوب پاریس" به توافق برسند» (21). چرا این قدر کم؟ یکی از توضیحات می تواند این باشد: «شانناثر طلبکاران بخش خصوصی و آژانس های سنجش درجه اعتبار». این آژانس ها «اظهارداشتند کشورهایی که تقاضای مهلت می کنند، با مخاطره سقوط اعتبار خود از سوی آژانس های سنجش اعتبار و ممنوعیت دسترسی به بازارهای مالی روبرو می شوند». خلاصه، «این کشورها مجبورخواهند شد با تکیه به منابع کمتر، مبلغ بیشتری بازپرداخت کنند.» (22).

کشورهای جهان سوم که در اثر بحران در منگنه هستند، تقاضای سبک کردن بیشتر بدهی شان را دارند (23). صدای غرش شورش می آید. در مقاله ای در روزنامه فاینانشل تایمر، کن اُفوری-آتا، وزیر دارائی غنا از دولت های آفریقائی خواست «تا دست پیش را گرفته و نهادی

برای هماهنگی گروه های فشار مختلف و مراکز قدرت با هدف ارائه طرحی برای نوسازی معماری مالی جهانی» ایجاد کنند، تا با «نیازهای آفریقا و دیگر کشورهای در حال توسعه در زمانی که باید رونق پسا کووید -19 را مدیریت کنیم، انطباق داشته باشد» (24). افراد دیگری مانند والدین بیللو، استاد دانشگاه فیلیپینی چپ گرا توصیه می کند که کشورهای جهان سوم به طور دسته جمعی از دو نهاد اساسی معماری مالی جهانی یعنی صندوق جهانی پول و بانک جهانی بیرون بیایند (25).

با توجه به همه نکات، «قرنطینه بزرگ»، با تقویت موضع وابستگی جهان سوم در درون نظام سیاسی-اقتصادی بازار جهانی، بازهم بیشتر از امید خروج از بحران، بدون گسستن از منطق نئولیبرال که عدم تناسب آن با نیازهای بشریت درگیر با فاجعه، بیش از بیش آشکار است، دور خواهد شد.

لوموند دیپلماتیک، نوامبر 2020

عنوان اصلی مقاله:

**Dans le tiers-monde, un « grand confinement »
dévastateur, Gilbert Achcar**

پاورقی ها:

Sarah Kliff, « How much would Trump's coronavirus [1] treatment cost most Americans? », *The New York Times*, 7 octobre 2020.

The Great Lockdown », *World Economic Outlook*, FMI, » 2 Washington, DC, avril 2020.

ILO Monitor : Covid-19 and the world of work. Sixth » 3 .edition », OIT, Genève, 23 septembre 2020.

Reversals of fortune – Poverty and shared prosperity » 4 .2020 », Banque mondiale, Washington, DC, 2020.

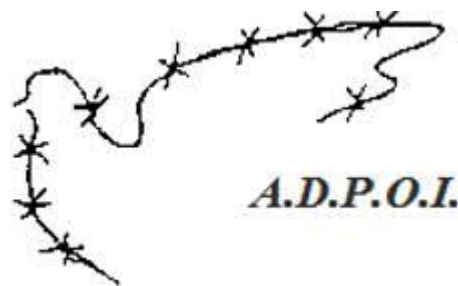
- From containment to recovery : Economic update for East » 5
.Asia and the Pacific », Banque mondiale, octobre 2020
- Global Humanitarian Response Plan : Covid-19 (April- » 6
.December 2020) », OCHA, Genève, juillet 2020
- Rapport du secrétaire général sur l'activité de » 7
.l'Organisation – 2020 », ONU, New York, 2020
- Protect the progress : rise, refocus, recover », OMS et »8
.Unicef, Genève, 2020
- Fiscal Monitor : Policies for the recovery », FMI, octobre » 9
.2020
- Daniel Gurara, Stefania Fabrizio et Johannes Wiegand, 10
« Covid-19 : Without help, low-income developing countries
.risk a lost decade », IMFBlog, 27 août 2020
- Jeffrey Gettleman, « Coronavirus crisis shatters India's 11
.big dreams », *The New York Times*, 5 septembre 2020
- Stephanie Findlay, « Suicides rise after virus puts 12
squeeze on India's middle class », *Financial Times*, Londres, 6
.octobre 2020
- Kristalina Georgieva, « La longue ascension : surmonter la 13
crise et bâtir une économie plus résiliente », FMI, 6 octobre
.2020
- Perspectives économiques en Afrique 2020 », BAD, Abidjan, » 14
.30 janvier 2020
- Covid-19 crisis through a migration lens », *Migration and » 15
Development Brief*, n° 32, Banque mondiale et Partenariat
mondial pour la connaissance sur les migrations et le
.développement (Knomad), Washington, DC, avril 2020
- ODA 2019 preliminary data », Organisation de coopération » 16
et de développement économiques (OCDE), www.oecd.org

- .Covid-19 crisis through a migration lens », *op. cit* » 17
- World Investment Report 2020 : International production » 18
.beyond the pandemic », Cnuced, Genève, 2020
- Debt Data Portal », Jubilee Debt Campaign, » 19
data.jubileedebt.org.uk. Lire aussi « Faut-il payer la dette ? », *Manière de voir*, n° 173, octobre-novembre 2020 (en
.(kiosques
- 20Larry Elliott, « World Bank : Covid-19 pushes poorer nations “from recession to depression” », *The Guardian*, Londres, 19 août 2020, et Jonathan Wheatley, « Borrow to fight economic impact of pandemic, says World Bank’s chief economist », *Financial Times*, 8 octobre 2020
- 21Le Club de Paris est un groupe de créanciers publics comprenant la plupart des membres de l’OCDE ainsi que le
.Brésil et la Russie
- Éric Toussaint et Milan Rivié, « Les pays en développement 22
.pris dans l’étau de la dette », CADTM, Liège, 6 octobre 2020
- Jonathan Wheatley, David Pilling et Andres Schipani, 23
« Emerging economies plead for more ambitious debt relief .programmes », *Financial Times*, 12 octobre 2020
- Ken Ofori-Atta, « Ghanaian finance minister : Africa 24
.deserves more Covid help », *Financial Times*, 12 octobre 2020
- Walden Bello, « The Bretton Woods twins in the era of 25
Covid-19 : Time for an exit strategy for the global south ? »,
.Focus on the Global South, Bangkok, 10 octobre 2020
-

جمهوری اسلامی: مسئول جان زندانیان مبتلا به کرونا

زندانیان سیاسی-عقیدتی بیمار را برای ادامه
معالجه آزاد کنید!

خبرهای درون زندان های جمهوری اسلامی سخت نگران کننده است. هر روز خبر ابتلای زندانیان جدیدی به بیماری کُوید-19 در سیاهچال های رژیم منتشر می شود.



پیرو آخرین خبرها، اسماعیل عبدی عضو کانون صنفی معلمان ایران، امیرسالار داوودی وکیل دادگستری، مجید آذرپی، جعفر عظیمزاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران، محسن قنبری و محمدعلی مصیبزاده، از زندانیان سیاسی-عقیدتی و فریدون احمدی، حامد حمزه وی، فرشاد کاووسی، رضا کیانیانمهر، سعید شریفی و علی دیواندری از زندانیان مالی زندان اوین به ویروس کرونا مبتلا شده اند.

به رغم شرایط جسمانی حاد و مثبت بودن نتیجه تست ها، مقامات زندان اوین، اقدام موثری برای معالجه و نجات جان آنان انجام نداده اند.

نسرین ستوده، وکیل مبارز و فعال حقوق بشر که یک سال است در شرایط سخت زندانی است با انتشار اطلاعیه ای دست به اعتصاب غذا زده است: در آن از جمله نوشته:

« با زندانیان به گونه ای رفتار می شود که گویی قانونی وجود ندارد و هیچیک از آنان حق برخورداری از هیچ روزنه ای قانونی را ندارند. مکاتبات زندانیان برای یافتن راه های قانونی تنفسی بی پاسخ مانده است.

با بی جواب ماندن کلیه مکاتبات و با درخواست آزادی زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا می زنم. به امید استقرار عدالت در سرزمینام، ایران زمین. اوین - نسرین

ستوده، 21 مرداد 99.»

أوضاع در همه زندان ها وخيم است. چندین زندانی زن که به زندان قرچک اعزام شده اند، در شرایط غیرانسانی و ناامنی به سر می برند. زندان های جمهوری اسلامی، ناامن ترین محل برای یک فرد در ایران است.

سردمداران رژیم اسلامی، سراسیمه و سرکوبگر، در شرایط وخيم کشور از مدیریت درست اپیدمی کوید-19 که مرتبا قربانی می گیرد، ناتوان است.

رژیم برای هراساندن مردم و مبارزان، دست به اعدام های سریع زده و اجرای حکم ضدانسانی اعدام، چند جوان دیگر را نیز تهدید می شود.

مبارزه برای لغو حکم اعدام، فوریت دارد. باید بر تلاش ها افزود و از سازمان های بین المللی حقوق انسانی خواست که بر فشارشان بر سران جمهوری اسلامی افزوده و از رژیم بخواهند تا جهت رفتار انسانی در زندان ها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی-عقیدتی و به ویژه لغو فوری شکنجه و اعدام اقدام کند.

زندانیان سیاسی-عقیدتی را آزاد کنید!

حکم اعدام را لغو کنید!

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی-عقیدتی در ایران؛ پاریس

11 اوت 2020

adpoi@yahoo.com

شرایط خطرناک کرونا در

زندانی‌های ایران



عفو بین‌الملل نامه مقام‌های قضایی ایران را افشا می‌کند:

آنها شرایط خطرناک کرونا در زندان‌ها را پنهان کردند

۱۰ مرداد ۱۳۹۹ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۰



بر اساس متن این نامه‌ها که به عفو بین‌الملل درز کرده، مقام‌های

سازمان زندان‌ها در چهار نامه جداگانه به مقام‌های وزارت بهداشت هشدار داده اند که برای مقابله با بیماری کرونا در ساختمان‌های پرخطر و پرجمعیت زندان‌ها امکانات کافی ندارد. ظاهراً وزارت بهداشت ایران به هیچ کدام از این درخواست‌ها پاسخ نداده است.

در یکی از این نامه‌ها یک مقام سازمان زندان‌ها به خطرات امنیتی شیوع کرونا در زندان‌ها اشاره کرده است.

سازمان عفو بین‌الملل مستقر در لندن، در اطلاعیه‌ای گفته است که این نامه‌ها در تضاد با اظهارات رسمی اصغر جهانگیر، رئیس سابق زندان‌ها و مشاور فعلی رئیس قوه قضاییه است که "وضعیت نامناسب و غیربهداشتی زندان‌ها در زمینه کرونا" را رد کرده و گفته بود اقدامات مسئولان زندان‌ها در پیشگیری از این بیماری "بی‌نظیر" بوده و می‌تواند به عنوان "یک شاخص بین‌المللی" الگو باشد.

سازمان زندان‌ها که زیر نظر قوه قضاییه است، در این نامه‌ها تأکید کرده که به اندازه کافی پول و تجهیزات برای مقابله با شیوع ویروس کرونا ندارد.

شماره: ۱۱۲، ۹۹، ۲۸۲

تاریخ: ۹۹، ۳، ۲۵

پوست

بسمه تعالی



سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

جناب آقای دکتر جان بابایی

معاون محترم درمان و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

موضوع: اقدام ضروری مورد نیاز زندانهای کشور جهت مدیریت بیماری ویروس کرونا

باسلام و احترام

همانطوریکه مستحضر هستید زندانهای کشور یکی از مراکز مستعد همراهِ با تجمع جمعیت با میزان شیوع بسیار بالای بیماریهای نوپدید خصوصاً کرونا می باشد ولی علی رغم مکاتبات مکرر با مبادی ذیربط در آن وزارت خانه و پیگیری های حضوری تا به حال هیچگونه کمک تقدی یا غیر تقدی برای کنترل بیماری کرونا از سوی آن وزارت خانه به این سازمان انجام نشده است .

لذا با توجه به درخواست شماره ۱۱۴۳/۹۹/۵ مورخ ۹۹/۱/۶ مدیر کل محترم بهداشت و درمان این سازمان جهت تأمین لوازم مورد نیاز، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به تأمین و تحویل موارد درخواستی اقدام لازم را معمول و این سازمان را از نتیجه امر مطلع نمایند. ۳/۲۱

قرآنی

معاون توسعه مدیریت و منابع

منبع تصویر، AMNESTY

در آخرین نامه منتشر شده به تاریخ ۱۵ تیرماه امسال یکی از معاونان 'سازمان زندانها و امور تأمینی و تربیتی کشور' خطاب به معاون وزارت بهداشت می نویسد که سه نامه قبلی بی پاسخ مانده و برای کنترل "حوادث غیر قابل پیش بینی ناشی از ویروس کرونا" در زندان لازم است که "جلسه اضطراری" تشکیل شود.

سازمان عفو بین الملل می گوید شواهدی "نگران کننده" در اختیار دارد که نشان می دهد شرایط "بیرحمانه و غیرانسانی" در زندانها ادامه دارد و مسئولان قضایی "به عمد" برای مجازات و ارباب زندانیان سیاسی آنها را از حق مراقبت های بهداشتی و پزشکی محروم می کنند.



توضیح تصویر،

عفو بین‌الملل می‌گوید زینب جلالیان که تست کرونای او مثبت بوده از پنجم تیرماه بعد از اعتصاب غذا "ناپدید شده است"

عفو بین‌الملل در گزارش خود گفته است که زندانیان با علایم ابتلا به ویروس کرونا "برای روزهای متمادی به حال خودشان رها شده‌اند، حتی با این که بعضی از آنها از قبل بیماری‌های قلبی یا ریوی، دیابت یا آسم داشته‌اند." بر اساس این گزارش، فقط وقتی حال زندانیان بدتر شده آنها را "بدون امکان دسترسی به خدمات پزشکی در بخشی جدا یا سلول انفرادی قرنطینه کرده‌اند."

در تازه‌ترین مورد خبرساز درباره شیوع ویروس کرونا در زندان، مقام‌های قوه قضاییه ایران ابتلای نرگس محمدی به کووید-۱۹ را تکذیب کردند و گفتند که امکانات پیشگیری در زندان زنجان کافی است و زندانیان به وسایل ضدعفونی دسترسی دارند.

خانم محمدی بعداً در توضیحاتش درباره امکانات بهداشتی خود و گروه ۱۲ نفره مشکوک به ابتلا به ویروس کرونا در زندان زنجان نوشت: "بعد از چند روز در پی نامه‌نگاری به مسئولان زندان به هر کدام آنها یک ماسک دادند و این گروه ۱۲ نفره توانستند با پول خود سه عدد ژل شستشوی دست بخرند."

در گزارش سازمان عفو بین‌الملل به نام زینب جلالیان هم اشاره شده

است. به گفته این سازمان حقوق بشری، خانم جلالیان از زمانی که آزمایش کرونایش مثبت اعلام شد، برای رسیدگی اعتصاب غذا کرد اما از پنجم تیرماه خبری از او نیست و قربانی "ناپدیدسازی قهری" شده است.



توضیح تصویر،

عفو بین‌الملل می‌گوید در زندان ارومیه هشت نفر به دلیل ابتلا به کرونا جان باخته‌اند

مرگ "دست‌کم ۲۰ زندانی"

در این نامه‌ها اشاره‌ای به آمار زندانیان مبتلا به کرونا نشده است؛ اما مدیران سازمان زندان‌ها درباره سرپوشیده بودن زندان‌ها و تراکم زیاد زندانیان در یک محوطه بسته هشدار داده‌اند و تاکید کرده‌اند که احتمال ابتلا به کرونا در میان زندانیان "چند برابر بیشتر از خارج از زندان" است.

در گزارش سازمان عفو بین‌الملل به نقل از سازمان‌های حقوق بشری آمده است که دست‌کم ۲۰ زندانی در استان‌های مختلف به دلیل ابتلا به کرونا جان داده‌اند که بیشترین تعداد مربوط به زندان ارومیه با ۸ قربانی است.

در هفتم اسفند ماه ۹۸، قوه قضاییه ایران برای خلوت کردن زندان‌ها دستور مرخصی بعضی از زندانیان را صادر کرد.

بر اساس گزارش سازمان زندان‌ها از هفتم اسفند پارسال تا خرداد ماه به خاطر شیوع کرونا ۱۲۸ هزار نفر به مرخصی فرستاده شدند؛ اما سازمان عفو بین الملل می‌گوید زندان‌ها هنوز بیش از ظرفیت استاندارد خود زندانی دارد و همچنین این مرخصی شامل حال بیشتر زندانیان سیاسی و عقیدتی نشده است.

در نامه‌ای که تاریخ آن مربوط به ششم فروردین امسال است، سازمان زندان‌ها گفته که زندانیان باردار و مادران شیرده، سالخورده‌گان، و افرادی که در زندان بیماری‌های پیش‌زمینه‌ای اعتیاد، ایدز، سوء تغذیه، کم‌خونی و بیماری‌های دیگر دارند، سیستم ایمنی‌شان ضعیف است و اگر کرونا در زندان شایع شود، "علاوه بر خطرات امنیتی، خسارات جبران‌ناپذیری برای جامعه" خواهد داشت.

سه روز بعد از تاریخی که این نامه نوشته شده، اخباری درباره شورش زندانیان در سقز کردستان در اعتراض به شیوع ویروس کرونا و کمبود امکانات مقابله با این بیماری منتشر شد.

فرمانده سپاه کردستان گفته بود زندانیان از ترس کرونا فرار کردند.

همچنین چند روز بعد زندانیان در زندان اهواز هم به دلیل شیوع ویروس کرونا و از ترس ابتلا به بیماری شورش کردند.

دیانا الطحاوی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل درباره نامه‌های درز کرده به این سازمان تاکید کرده است: "این نامه‌های رسمی مستنداتی رسواکننده از قصور فاجعه‌بار دولت ایران در زمینه محافظت از زندانیان را نشان می‌دهند. درخواست‌های مکرر برای تامین مواد ضروری از جمله مواد ضدعفونی کننده، تجهیزات حفاظتی شخصی و لوازم پزشکی نادیده گرفته شده است. این وضعیت به‌خصوص خطرناک است چون همان‌طور که در نامه‌ها نیز اذعان شده، گروه‌های به شدت آسیب‌پذیر در زندان‌های ایران محبوس هستند."

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه خود از ایران خواسته که برای حل مشکل ازدحام زندان‌ها شرایط "آزادی فوری و بی‌قیدوشرط" همه افرادی را فراهم کند که برای استفاده صلح‌آمیز از حقوقشان به زنده افتاده‌اند؛ به‌ویژه نوجوانان، بازداشت‌شدگان منتظر محاکمه، و

آنهايي که ويروس کرونا برايشان خطر جدي به دنبال دارد.

شماره:

تاريخ:

بيومت:

بسمتعالی



سازمان بهداشت و اقدامات تأسیس و تربیتی کشور

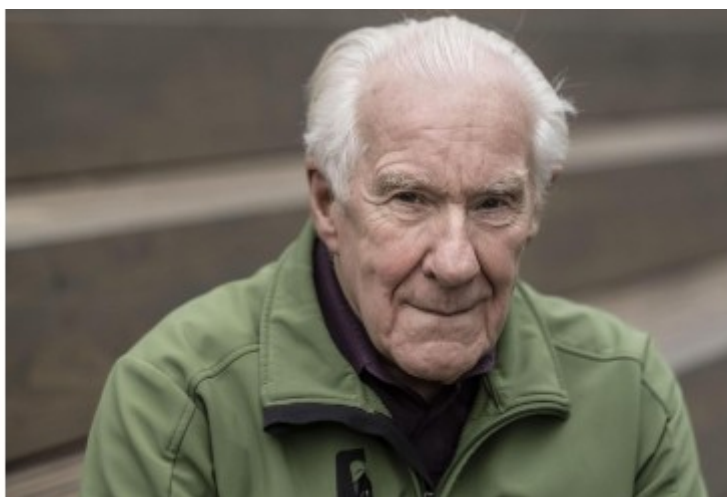
تعداد	اقلام ضروری مورد نیاز
۵۴۰۰۰۰۰ عدد برای ۳ ماه	ماسک ساده
۱۰۰۰۰۰۰ عدد برای ۳ ماه پرسنل و زندانیان	ماسک N95
۲۶۰۰۰۰۰ عدد برای ۳ ماه	دستکش لاتکس
۱۰۰۰۰۰۰۰ عدد برای ۳ ماه	دستکش فریزری
۴۵۰۰۰۰ لیتر برای ۳ ماه	مواد ضد عفونی کننده دست
۱۰۰۰۰۰۰ لیتر برای ۳ ماه	مواد ضد عفونی کننده سطوح
۵۰۰۰ عدد	شیلد صورت
۵۰۰۰ عدد	عینک
۵۰۰۰ دست	لباس یکسره مخصوص
۲۲۰ عدد	پالس اکسی متر
۲۵۰ عدد	گلوکومتر
۱۵۰۰ عدد	تب سنج غیر تماسی
۱۰۰ دستگاه	دستگاه لامپ UV
۱۲۰ عدد	آتوکلاو ۱۰۰ لیتری و به بالا

منبع تصویر، AMNESTY

توضیح تصویر،

بخشی از مواد و لوازی که سازمان زندانها از وزارت بهداشت درخواست کرده است

اَلَنْ بَدِيُو: پاندمي، ناداني و مکان‌های نوینِ جمعی



مقدمه و ترجمه از شیدان وثیق

دردهای ما از جفت‌شدن مالکیت و سرمایه برمی‌آیند. امکان ابداع دوباره‌ی یک زندگی مشترک از راه ایجاد مکان‌های نوین جمعی، که روشنفکران، کارگران از سراسر جهان و هنرمندان را فراگیرند و با حرکت از واقعیت، ایده‌هایی نو خلق نمایند، وجود دارد. اگر به یاری بخت، در چنین مکان‌هایی بحثی نو آغاز شود، پاندمی جهانی این شانس را خواهد داشت که رخدادی نبوده باشد هم‌زمان مرگبار از دید زیست‌شناسی، فرومایه از نظر روشنفکری و سترون از نگاه سیاسی.

«فلسفه و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در ایران معاصر» عنوان نوشتاری است از فیلسوف معاصر فرانسوی، آلن بدیو، که در 2 ژوئن 2020 به رشته‌ی تحریر درآمده و در روزنامه «فرانس پرس» انتشار یافته است.¹ اکنون، در پی این مقدمه، ترجمه فارسی آن را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهیم. این دومین مقاله‌ای است که بدیو، در طی چند ماه گذشته، پیرامون پاندمی و پیامد آن می‌نویسد.²



روی سخن او، در این نوشته‌ی جدید، همچنان بسان مطالب فلسفی - ساسی-پیشین‌اش، بیشتر با فعالان اجتماعی، مبارزان و هواداران سیاست‌رهایی (فلسفه‌ی «فرانس پرس») است، که در نفی سه سلطه سرمایه، مالکیت و دولت تعریف و تبیین می‌شود. یعنی، به گفته‌ی خود بدیو در پایان مقاله‌اش، ابداع یک اقدامی، «فلسفه‌ی فرانس پرس» کنونی از یکسو و «فلسفه‌ی فرانس پرس» از سوی دیگر، دو بدیلی که امروزه به بُن‌بست رسیده‌اند و راه خروج از وضع موجود به‌شمار نمی‌آیند.

پاندمی کووید 2019، تنها یک رخداد بزرگ ملی و جهانی از نگاه مسائل انسانی، بهداشتی، ارتباطی، اقتصادی و غیره نبوده، بلکه جهان فلسفی - سیاسی را نیز تکان داده است و اندیشه‌ورزان این پهنه را سخت به تکاپو برای پاسخگویی به پروبلما تیک‌های جدید و بغرنج، واداشته است. فکر کردن به نا اندیشه‌ها در پی رویدادی که کمتر کسی با چنین بُعدها و پیامدهایی پیش‌بینی کرده بود. اما افسوس، در این تأملات نظری و فلسفی، به نظر می‌رسد که ما کمتر با دراندیشی، با اندیشه‌ای دگرگون شده توسط رخداد، و بیشتر با پیش‌گویی‌های پیامبرانه، واکُنش‌های شتابزده و با «کم‌هایی مسلم و محتوم در باره‌ی «دنیا-پسین» روبه‌رو می‌باشیم.

روی هم رفته به نظر می‌رسد که این نظریه‌پردازی‌های متأثر از بحران پاندمی، در بخش غالب‌شان، چندان نوآورانه نیستند بلکه بیشتر بازگویی فرمول‌ها و داوهای گذشته و از پیش ساخته و پرداخته شده‌اند، که از ایدئولوژی‌ها و نئوری‌های سنتی - چه لیبرالی/ نئو لیبرالی و چه به اصطلاح چپ/ انقلابی - برمی‌خیزند. بسیاری از روشنفکران انتقادی از جمله در پهنه‌ی فلسفی، جامعه‌شناسی، سیاسی، اقتصادی، فمینیستی، زیست‌بومی و غیره در رسانه‌های عمومی غربی، درباره‌ی درس‌های پاندمی اظهار نظر کرده و

چند «خط قدرت» از یک برنامه‌ی سیاسی رهایی‌خواهانه، فراسوی دو سیستم شکست خورده سده‌ی بیستم: یکی، دموکراسی‌های واقعن موجود که «دموکراسی‌های دروغین»^۱ اند و دیگری، سیستمی که در گذشته، و همچنین امروز نزد نوستالژیک‌های آن، خود را سوسیالیست یا کمونیست نامید، اما در حقیقت چیزی نبود جز یک سلطه‌ی دولتی.

شیدان وثیق

12 ژوئن 2020 - 23 خرداد 1399

اَلان بَدیو پاندِ می، نادانی و مکان‌های جدید جمعی

(2 ژوئن 2020)

[متن به زبان فرانسه \(کلیک کنید\)](#)

توضیح ریشه‌های پاندِ میِ کنونی را هم‌زمان به دو علت واگذار می‌کنند: یکی، طبیعی، یعنی وجود ویروس و شیوه‌های سرایت و دوام آن از خفاش به انسان و دیگری، اجتماعی، یعنی شدت و شتاب کلانی که انتقال ویروس در عرض چند هفته از چین به اروپا و قاره آمریکا را سبب می‌شود، بی آن که بتوان از شیوع آن پیش‌گیری کرد، مگر با توقفِ کما بیش کاملِ تمامِ جنب و جوش بشری، یعنی از راه ایستی که «حصر» خانگی نام گرفت.

در دولت‌های بورژوا (افسوس که امروزه نوع دیگری وجود ندارد)، چه رخ داده است؟ اینان وادار به گرفتن تدابیری فراتر از منطق دقیق طبقاتی‌شان شده‌اند. باید، به هر قیمتی که شده، سیستم بیمارستانی‌شان عمل می‌کرد. باید اتاق‌های هتل‌ها را برای قرنطینه‌ی بیماران مصادره می‌کردند. باید همچنین در مرزها، تحرک جمعیتی که

انتقال دهنده شتابان ویروس است را ممنوع می‌کردند و غیره. اما از میان همه، دولت‌ها باید پاسدار آینده ساختار خاص تمامی جامعه، یعنی ماهیت طبقاتی آن، باشند. بدین سان، در چنین شرایطی، حکومت کردن امری دشوار تر از اوضاع و احوال عادی و کمتر بدیع می‌شود. برای دولت‌هایی که در جامعه‌هایی از نوع جامعه‌ی ما بر سر قدرت هستند، دشمن واقعی، ویروس نیست بلکه کمونیسم است. البته، خوشبختانه برای آن‌ها، کمونیسم امروزه چنان ناتوان است که این رژیم‌ها می‌توانند، حداقل در کوتاه مدت و بدون آسیب فراوان، خود را از خطر به رها نند.

توبیخ امانوئل ماکرون؟ رژیم پارلمانی، که رژیم سیاسی طبیعی سرمایه‌داری پیشرفته امروزی است، رژیمی که در فرانسه، زیر دو عنوان «دموکراسی» و «جمهوری ما»، فتی‌شوار همچنان مورد پرستش قرار می‌گیرد، تا کنون با این گونه رویدادها روبه‌رو شده است. اگر ماکرون را باید برکنار کرد، صاحبان امور، خودشان اقدام خواهند کرد، با کفزدن‌های ناراضیانی از هر گونه که، از دو سال پیش تا کنون، او را علت همه دردهای‌شان می‌پندارند. حال آن که، برای این که همه چیز را گفته باشیم، دردهای ما به واقع، از دو سده پیش، با جفت‌شدن دو پدیدار، که به‌ویژه در زمان کنونی البته پرتندیش شده است، ناشی می‌گردند: یکی، مالکیت خصوصی که ستوده می‌شود و ن‌ویدش را به همه می‌دهند و دیگری، «قانون مفرغ» تراکم سرمایه، که در جنبه‌ی تعیین‌کننده‌اش، سبب بهره‌مند شدن تنها افرادی اندک، از مالکیت خصوصی، می‌شود.

آن چه که در شرایط کنونی از دید من مخاطره‌آمیز به نظر می‌رسد و همه‌ی اشکال ارتجاع را امکان‌پذیر می‌سازد، نادانی نسبت به این مسلمات و کم اعتبار دادن به استدلال‌های قانع‌کننده و گفتارهای استوار بر علوم است. علوم حقیقی یکی از نادرترین بخش‌های فعالیت بشری است که شایسته‌ی اعتماد ما می‌باشند. علوم، یکی از اصلی‌ترین گنجینه‌های مشترک بشریت را تشکیل می‌دهند: از ریاضیات تا زیست‌شناسی (بیولوژی) با گذر از فیزیک و شیمی و همچنین از مطالعات مارکسیستی در مورد جامعه و سیاست تا، از یاد نبریم، اکتشافات در روانکاوی درباره‌ی اختلال‌های ذهنی. مسأله‌ی اصلی این است که اعتماد به عقلانیت (راسیونالیته) بیشترِ وقت‌ها نادان و کور است. در نتیجه، همان‌گونه که امروزه مشاهده می‌کنیم، بسیاری از مردم، چه بسا اکثریتی، همچنان، به علوم دروغین، معجزات پوچ، افکار کهنه و شارلاتان‌ها اعتماد می‌کنند. این‌ها همه وضعیت را به کل پیچیده

می‌کنند، پیش‌گویی‌های پیامبرانه و بی‌اساس درباره‌ی «روز بعد» را رونق و رواج می‌دهند. از این رو ست که رهبران انقلابی در همه‌ی ادوار تاریخی به خوبی واقف بودند که بدون تدارک و آمادگی ذهنی افکار عمومی، عمل و اقدام سیاسی کار بسیار دشواری است.

بنابراین، کانون ترازنامه‌ی بحران پاندمیک، و از این گذشته همه‌ی «بحران‌ها»، می‌بایست تشکیل شود از شبکه‌ی گسترده‌ای از آموزشگاه‌ها که فعالان مبارز و داوطلب باید ایجاد کنند. در این شبکه‌ها، مجموعه‌ی آن چه که در جوامع ما باید برای زندگی، عمل و خلق کردن دانسته شود، به همه‌ی کسانی که خواهان کسب آگاهی و شناخت هستند، آموزش داده می‌شود.

اکنون می‌بایست درباره‌ی هر آن چه که تاکنون در این مسیر ایجاد شده است، دست به یک تحقیق بین‌المللی زنیم. این کار پژوهشی به همان اندازه ضروری و حساس است که امروزه ما با وفور پدیدارهای فریبنده، انجمنی یا دولتی، سروکار داریم، که تنها خیرخواهانه و به گونه‌ی کاذبی بشردوستانه اند، زیرا که نه در خدمت به بشریت واقعی بلکه در جهت ادغام در نظم موجود و نابرابری‌های تشکیل‌دهنده‌اش عمل می‌کنند.

با حرکت از تجربه‌ی خاص خودم، می‌توانم بگویم که مدرسه عملیات (École des actes)، که با پشتیبانی تئاتر کمون (Théâtre de la Commune) در شهر او برویلیه (Aubervilliers) ایجاد شده است، به گمان من، مکانی را نمایان می‌سازد با یک سمت‌گیری مناسب به سوی انجام وظایفی که شرایط امروز ایجاب می‌کنند. یعنی به منظور انتقال [آگاهی و دانش]، ابداع و ابتکار. این مدرسه مردمانی را دور هم جمع می‌کند که ملاقات‌شان اساسی است. جمعیتی از روشنفکران، کارگرانی که از سراسر جهان آمده‌اند، هنرمندان و همچنین زنان، مردان و جوانان یک شهر چندملیتی. اما این ملاقات‌ها به گِرد «مجمع‌ها» (assemblées) انجام می‌پذیرد، یعنی مکان‌هایی جمعی که در آن‌ها ایده‌های نو ساخته و پرداخته می‌شوند. این همه با حرکت از فرضیه‌های «قوانین زندگی انسان‌ها» که باید فرموله، بازشناخته و محترم شمرده شوند. حتی پیش از اپیدمی، در مدرسه عملیات، با حرکت از آزمون‌ها و پرسش‌های یک پوبلیک مردمی که در کانون آن پرولت‌ترهای آواره (این «مهاجران» بدنام) قرار دارند، به طور هم‌زمان طراحی و فراگیری بسیاری چیزها انجام می‌گرفت، چیزهایی که در شکل‌های مختلف عقلانیت، برای زنده ماندن، حرف زدن، خواندن و فکر کردن ضروری می‌باشند.

مدارسی از این گونه می‌توانند همچنین کمک‌های مادی و اداری به افراد نیازمند را سازماندهی کنند، مدرسه عملیات [در او بـِرویلیه] دست به این تجربه زده است. از جمله با ایجاد یک ناهارخوری برای خوراک گرم، درمانگاه برای مراقبت‌های اولیه پزشکی، تشکیل مجمع اندیشه‌گری کُنکرت [عینی، مشخص] در باره‌ی مسأله‌ی زیستگاه، مشاورین حقوقی، چه آن حقوقی که وجود دارند و چه آن‌ها که بنا بر قوانین زندگی انسانی می‌بایست وجود داشته باشند، و بالاخره بسیاری چیزهای دیگر که به خاطر نسپردوام و مدارس عملیات می‌توانند اختراع و ابداع کنند.

همان طور که مشاهده می‌کنیم، در کانون چنین مکانیسمی [مدارس عملیات] شکلی چون «مجامع عمومی»، و نه مناسبات استاد-شاگردی، قرار دارد. در زمینه‌ی بیشتر «سیاسی»، که زمانه‌ی کنونی، به گونه‌ای گسترده و باز، ایجاب می‌کند، مدرسه عملیات هر هفته مجمع عمومی خود را برگزار می‌کند. من نیز گاه در این مجامع شرکت کرده‌ام. در این مجامع عمومی هفتگی، هر کس که حرفی برای گفتن، پرسشی، نقدی یا پیشنهادی جدید دارد، می‌تواند آن‌ها را طرح کند. صحبت‌ها همه به زبان‌هایی که افراد در مدرسه حرف می‌زنند، ترجمه می‌شوند. من خود شاهد گفتگوهای بوده‌ام که به انگلیسی (برای کسانی که ریشه‌ی بنگلادشی دارند)، soninké [زبان اتنی‌هایی در آفریقای غربی و جنوب صحرا چون مالی]، peul [زبان اتنی‌هایی دیگر در همان منطقه چون سومالی] و عربی ترجمه می‌شدند. چنین آزمونی، همچنین، ردپایی را نشان می‌دهد از انترناسیونالیسمی که امروزه بسیار ضروری است. شاید می‌بایست از این مدرسه، و از هر مدرسه‌ای دیگر از این نوع، درخواست کرد که گه‌گاه مجامع عمومی باز به روی همه تشکیل دهند تا در آن‌ها در باره‌ی خود اصلِ ضرورت و آینده این گونه تشکیل‌های جمعی و اشتراکی بحث و گفتگو شود. البته سیاست‌خواهان کنترل زمان و حفظ خونسردی در برابر هیجان‌های واهی [utopiques] چون پیش‌گویی‌های پیامبرانه و آخرالزمانی است. با این همه، با ترکیب نگاهی از وضعیت کلی و درس‌های برگرفته از نمونه‌ی کنکرت بالا، بر این باورم که در یک آینده‌ی قابل دسترس اندیشه، گونه‌ای فدراسیون بین‌المللی مدارس بتواند، چون یک مرحله‌ی مهم بعدی، خردورزانه تشکیل شود، تا حداقل چند عنصر اصلی یا چند خط قدرت از یک برنامه‌ی سیاسی نوین، فرای هم «دموکراسی‌های» دروغین ما و هم کمونیسم‌های دولتی ناکام، نمایان شوند.

اگر به یاری بخت، با حرکت از طرح پیشنهادی ایجاد مکان‌های جدید

مصاحبه، که به زبان‌های ایتالیایی (در آغاز) و فرانسوی (در ادامه) است، آورده شده است. فایل در فرمات پدیدار است.

« ... [کورونا ویروس] ... »

« ... (...) ... »

« ... (anthropocène) ... »

« ... »

« (.) »

متن کامل مصاحبه به زبان های
ایتالیایی و فرانسه
(کلیک کنید)

پسا کووید-19 : جها نی نو؟



این روزها، هنوز نبرد جهانی علیه کورونا ویروس جدید، **کووید-19**، به پایان نرسیده است که بحث‌هایی پر شور بر سر پیامدهای نوآورانه‌ی این فاجعه در پهنه‌ی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتا، به باور برخی، امکان فرارسیدن جهانی نو، درگرفته‌اند.



دنیای پسا کورونا چه خواهد بود؟ ادامه و تکرار اوضاع قبل از پاندمی، با از سرگفتن زندگی به روش گذشته و یا، با درس‌گیری از آن چه که بر ما رفت، ظهور جهانی دیگر؟ آیا شاهد تغییر و تحولاتی بزرگ، انقلابی و ضدسیستمی، در سطح ملی و جهانی، خواهیم بود و یا همین وضع موجود کنونی با اصلاحاتی چند و روبنایی استمرار پیدا خواهد کرد؟ و یا چه بسا بر عکس، ما با وضعیتی بدتر از آن چه که تا کنون وجود داشته رو به رو خواهیم شد؟ زیرا بدترین همیشه وجود دارد و می‌تواند از بحران پاندمیک برون‌آید، چون فرو افتادن در واپس‌گرایی و اقتدارطلبی در شکل‌های ناسیونالیستی، پوپولیستی و یا توتالیتر در پهنه‌ی ملی و جهانی، چنین‌اند پرسش‌هایی که طرح می‌باشند و در این جا می‌خواهیم، در کلیت آن‌ها، از نگاه **فلسفه‌ی پاندمی (Philosophy of Pandemics)**، مورد تأمل قرار دهیم.

بیماری ویروسی همه‌گیر 2020 بی‌سابقه در تاریخ نیست، نه از دیدگاه تعداد مبتلایان و قربانیان آن و نه از نگاه گستردگی و دامنه‌ی واگیری این پاندمی جهانی. تا کنون با نمونه‌هایی بیش و کم مشابه از پاندمی‌های بزرگ و مرگ‌بار در درازای تاریخ گذشته و معاصر بشر رو به رو شده‌ایم. چند مورد را یادآوری کنیم. **سپس** در قرن چهاردهم با 5 میلیون کشته که نیمی از آن‌ها ساکن اروپا بودند. **سپس** 1918، معروف به **سپس** **سپس**، که از این کشور برخاست، اما، در پایان جنگ جهانی اول، بین 20 تا 50 میلیون و طبق برخی برآوردهای پَسین، 100 میلیون کشته، یعنی شماری برابر با 2,5% تا 5% کل جمعیت جهان، به جای گذاشت. این پاندمی تنها در هندوستان بیش از 18 میلیون قربانی گرفت. سپس باید از **سپس** **سپس** معروف به **سپس** **سپس** در 1968 - 1969 نام بُرد که یک میلیون نفر کشته داد. تنها در فرانسه، 300 هزار نفر جان خود را با ابتلا به این ویروس گریپی از دست دادند. چهل سال بعد، از آوریل 2009 تا اوت 2010، با **H1N1** و مرگ بین 150 تا 500 هزار نفر در جهان رو به رو می‌شویم. سرانجام، از بیماری ایدز نام بریم که تنها در سال 2018، 770 هزار انسان را

به کام خود فرو بُرد.

در مورد آمار رسمی مبتلایان و جان باختگان ویروس کووید-19، توجه کنیم که از ماه ژانویه 2020، یعنی از زمانی که که نخستین بیماران این اپیدمی در استان هوبه چین از طرف مقامات این کشور به رسمیت شناخته (!) میشوند - چرا که از حقیقت و چند و چون آغاز شیوع بیماری کوروناویروس در این کشور توتالتر آگاهیِ راست و درستی هنوز در دست نداریم - تا آخرین آمار به تاریخ 20 مه 2020 (برابر با 31 اردیبهشت 1399)، شمار قربانیان در سطح جهان، 325 هزار نفر و مبتلایان، 5 میلیون نفر، اعلام شده است که از این تعداد نیز 93,5% بهبود یافته‌اند.

با توجه به این پیشینه‌های پاندمیک در تاریخ گذشته و داده‌های فوق و بر خلاف تبلیغات رسانه‌ای و سیاسی-ایدئولوژیکی، از همه سو، چه از جانب پزشکان و چه سیاسیون، می‌توان با پاره‌ای اظهار نظرهای جسورانه که خلاف جریان حاکم و غالب بیان میشوند، از جمله با موضع فیلسوف معاصر فرانسوی، آلن بدیو¹، که پاندمی کنونی را یک «**فاجعه طبیعی**» به شمار نمی‌آورد، هم‌آوایی کرد. البته با پذیرش این ویژگی مهم که ویروس گریپی جدید، از نوع سارس SARS-CoV، و با نام رسمی کووید-19، پدیده‌ای به طور کامل ناشناخته است؛ بیش از همه تا کنون سال‌مندان را در تیررس مرگ‌بار خود قرار داده است؛ تا امروز هیچ درمانی برای آن پیدا نکرده‌اند؛ نرخ مرگ و میر این بیماری نسبت به گریپ‌های معمولی بیشتر است و سرانجام واکسنی نیز برای مقابله با کووید-19 هنوز اختراع نشده است. با این ویژگی‌ها، می‌توان درک کرد که گریپ کورونا، بیش از گریپ‌های سابق، ترس و هراس در آدمی ایجاد کند، به گونه‌ای که جوامع بشری را برای ستیزی ملی و جهانی با خود منقلب سازد.

اما یکی دیگر از ویژگی‌های رخداد پاندمیک کنونی و بلکه تفاوت ممتاز آن نسبت به دیگر بیماری‌های ویروسی مشابه گذشته - و شاید مهم‌ترین ویژگی - در این است که این بیماری در یک زمان تاریخی و تمدنی خاص و بحرانی روی داده است. یعنی در سده بیست و یکم و در دورانی که بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بشر، جوامع و جمعیت‌های مختلف جهان، از دید مراودات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره بین خود، به هم پیوسته و وابسته شده‌اند. این همه همراه است با تضادها و تعارض‌هایی فراوان و نابودکننده برای

ادامه‌ی زیست بشر بر روی زمین مشترک. به بیانی دیگر، این رخداد در دورانی واقع می‌شود که بسیاری از داده‌ها، ارزش‌ها، ایقان‌ها و رابطه‌ها در همه‌ی سطوح، از زیست‌بومی و زیست‌سیاسی تا اقتصادی - اجتماعی و ملی - بین‌المللی، به زیر پرسش رفته و مورد تردید قرار گرفته‌اند. از این دیدگاه است که بعضی‌ها اوضاع اپیدمیک کنونی را با بحران اقتصادیِ ۱۹۲۹ در جهان می‌سنجند. اما این که سرانجام، این بار، از آزمونِ پاندمیکِ کنونی و درس‌های برگرفته از آن، امکان‌آرائی پاسخی یا پاسخ‌هایی شایسته و عملی - و نه تنها نظری - برای بنیاد جهانی دیگر و نو، در گسست از آن چه که تا کنون وجود داشته، فراهم خواهد شد یا نه... این‌ها پروبلما تیک‌های امروز ما را تشکیل می‌دهند. در این راستا، در 10 نکته‌ی اساسی چه می‌توان گفت و چه می‌توان پیش‌بینی کرد؟

1- اپیدمی‌های امروزی، در پی جهانی‌شدنِ امور بشر، با شتاب به بیماری‌های همه‌گیر یعنی پاندمی تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر امروزه، با فاجعه‌های طبیعیِ ویران‌گر، که از گرمایش جهانی در اثر استفاده از سوخت‌های فسیلی، افزایش [دی‌اکسیدکربن](#) و سایر گازهای گلخانه‌ای... ناشی می‌شوند، روبه‌رو می‌باشیم. این حوادث نابودکنندهِ طبیعی، ویروسی و غیره در اوضاع و احوال جهانی بحران‌زده رخ می‌دهند. بحران‌هایی چندگانه و بزرگ چون بحران محیط زیست، بحران اقلیمی، بحران اِکوسیستم، بحران در شکلِ مدرنِ کنونیِ زندگی، کار، تولید، توزیع و مصرف و سرانجام بحرانِ تنها نظام واقعاً موجود، یعنی سرمایه‌داریِ جهانی شده و فعال‌مایشا در سراسر گیتی. این‌ها نیز همه در شرایطی بروز کرده و می‌کنند که، چه از دید تئوریک و چه عملی، بَدیلِ برون رفت از سیستم حاکمِ ملی- جهانیِ کنونی هنوز نتوانسته شکل گیرد و به وجود آید.

2- ادعای برخی‌ها که پاندمیِ کووید-19 محصول مناسبات حاکم و نئولیبرالیسم است، تصویری ساده‌انگارانه است. ظهور و گسترش ویروس کورونا، می‌دانیم که با انتقال آن از جانور (خفاش؟ پنگولین؟... هنوز به طور مسلم روشن نشده است) به انسان، یعنی از جنسی به جنسی دیگر، در استانِ ووهان چین (کشوری که بیشتر توتالیترا است تا نئولیبرال!) آغاز می‌شود؛ در بازارهای آلوده و به دور از بهداشتِ پایتخت آن، هوبه، یعنی در مکان‌هایی که

جانوران زنده را برای مصرف انسان و غیره خرید و فروش می‌کنند. در این جا باید بی‌پروا اعلام کنیم که بین وجود ویروس در جانوران و سرایت آن به انسان از یکسو و ساختارهای اجتماعی-سیاسی چون سرمایه‌داری، نئولیبرالیسم، سوسیالیسم و غیره از سوی دیگر، رابط‌های مستقیم وجود ندارد. کوروناویروسِ کنونی ساخته و پرداخته‌ی اختلال در محیط زیست نبوده و نیست. مشاهده کردیم که جهانِ ما، در درازای تاریخ‌اش، با پاندمی‌هایی گوناگون و شدیدتر از کووید-19 مواجه شده است، در دوران‌هایی که نه از نئولیبرالیسم خبری بود و نه از سوسیالیسم یا مانند آن‌ها. در آینده نیز، صرف نظر از نوع سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی، با فرارسیدن این گونه پاندمی‌ها روبه‌رو خواهیم شد.

3- در جهان پیوسته و وابسته کنونی، با رشد بی‌مانندِ ترابری بین‌المللی و مراودات گوناگون بین مردمان جهان از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در گیتی، امری که ابعادی غول‌آسا و سراسری پیدا کرده است، هیچ مرزی طبیعی یا ساختگی نمی‌تواند جلوی نفوذ و سرایت ویروس از انسان به انسان، منطقه به منطقه و یا کشور به کشور را بگیرد. در نتیجه، بسیار شتابان، اپیدمیِ محلی می‌تواند تبدیل به پاندمیِ جهانی شود. از سوی دیگر، جنگل‌زدایی، عدم رعایت بهداشت تغذیه، آلودگی‌های مختلف، می‌توانند بیماری‌های واگیری و ویروسی از جانور به انسان (zoonosis) را به طور مستقیم یا غیر مستقیم متداول‌تر، شدیدتر و وخیم‌تر کنند و سرایت آن‌ها را تسریع بخشند. از این دیدگاه، تجربه نشان می‌دهد و بیش از پیش نشان خواهد داد که اپیدمی‌ها در آینده می‌توانند فزونی یابند و در نتیجه باید پیش‌بینی‌ها و پیش‌گیری‌های لازم انجام شوند. از آن جا که آینده‌نگری و پیش‌گیری در مورد احتمال بروز یک پاندمیِ جهانی انجام نگرفته بود، با فرارسیدن کوروناویروس جدید، همه‌ی کشورها و دولت‌های جهان غافلگیر و درمانده شدند. از این پس، برای مقابله‌ای جدی، جمعی و جهانی با پاندمی‌های آینده، از هر لحاظ و از جمله از راه اولویت دادن به امر اکولوژی، حفظ محیط زیست و اکوسیستمی که تخریب‌اش تهدیدی برای هستیِ مشترک بشریت است، باید از پیش تدارکات و آمادگی‌های لازم را به‌وجود آورد.

4- عدم آمادگی و آینده‌نگری دولت‌های جهان برای مقابله با

پاندمی کووید-19، ناشی از این واقعیت نیز است که هیچ کس در دنیا - به جز شاید انگشت شمار افرادی، از جمله در بین پزشکان کارآموده در بیماری‌های واگیر و ویروسی- چنین رخداد با چنین ابعاد جهان‌شمولی را هرگز پیش‌بینی نکرده بود؛ نه از سوی گروه‌های سیاسی راست یا چپ، نه از سوی فعالان رهایی‌خواه، انقلابی یا ضد سرمایه‌داری و نه حتی از سوی هواداران دفاع از محیط زیست و اکولوژیست‌ها که همواره به‌راستی از خطر نابودی اکوسیستم سخن می‌رانند.

5- آزمون پاندمی کورونا آشکارا و کمابیش در همه جا نشان می‌دهد و برای بار دیگر ثابت می‌کند که سیستم سرمایه‌داری جهانی شده امروزی، با مال‌سازی بسیاری از ارکان زندگی بشر - چون بهداشت، آموزش و دیگر خدمات عمومی - یعنی با قرار دادن آن‌ها در زیر سلطه‌ی قانون کالا، سود، بازار، محاسبات پولی و بازدهی، این بخش‌های اجتماعی که به نفع مردم و برای عموم باید عمل کنند را ناتوان اگر نگوییم نابود می‌سازد. این سیاست‌های نئولیبرالی سرمایه‌دارانه، که بر سودآوری بخش‌های عام‌المنفعه‌ی جامعه بنا شده‌اند، در بیشتر کشورهای جهان، آسیب‌پذیری و عدم آمادگی بهداشتی در زمینه‌ی امکانات پزشکی و درمانی برای مقابله با پاندمی‌های بزرگ چون نوع اخیر آن را به‌وجود آوردند. بدون تردید، یک تغییر و تحولی که در آینده می‌توان تا اندازه‌ای در سیاست‌های حاکم کشورها پیش‌بینی کرد و محتمل دانست، پیدایش نگرشی دیگر و جدید نسبت به نقش کلیدی بخش فواید عمومی و خدماتی در جامعه، چون بهداشت و درمان و در نتیجه برگرفتن سیاست‌هایی نوین در جهت نیرومندسازی این امور به جای سیاست‌های نئولیبرالی تا کنونی در سال‌های گذشته است، که به افول و حتی تخریب بخش عمومی انجامیده‌اند.

در این جا، باز هم در توافق با بدیو، در مورد پیامدهای سیاسی پاندمی کورونا، اشاره کنیم به این پیش‌بینی او که بحران فاجعه‌بار پاندمیک می‌تواند « ... »

می‌توان افزود که در آینده هر دولتی می‌رود تا برخی فرآورده‌های استراتژیکی در حوزه بهداشت، داروسازی و غیره را در کشور خود تولید کند زیرا که بحران کوروناویروس وابستگی کامل اغلب کشورهای جهان به تولیدات چین در زمینه ماسک، دارو، دستگاه‌های بیهوشی و در نتیجه رقابت میان دولت‌ها برای خرید این محصولات اساسی را آشکارا به نمایش گذارد.

با این حال، به نظر ما، گرچه می‌توان تصور کرد که به ابتکار دولت‌ها و سیستم‌های حاکم کنونی در سطح ملی و جهانی و با درس‌گیری از فاجعه‌ی پاندمی کورونا، اقدام‌هایی و سیاست‌هایی جدید در جهت اصلاحات اجتماعی و اقتصادی انجام خواهند گرفت، اما این‌ها همه به معنای آن نیست که بتوان نسبت به امکان فرارسیدن جهانی نو در پساکورونا، که این روزها برخی روشنفکران چپ و انقلابی نویدش را می‌دهند، خوشبین بود.

6- رخداد جهانی کووید-19، در حقیقت می‌تواند بازگشای مرحله‌ای دیگر و تازه از سرمایه‌داری جهانی‌شده، از صف‌بندی‌ها و تضادها در سطح بین‌المللی باشد.

سرمایه‌داری ملی و جهانی همچنان توانایی و پتانسیل نوسازی و متحول کردن خود را در چهارچوب بنیادهای اصلی‌اش دارد. توجه کنیم که سیستم جهانی به یک نسبت و اندازه مورد ضرب و آسیب پاندمی قرار نگرفته است. رژیم‌های سرمایه‌داری جهان به یک سان در گزند ویروس قرار نگرفته‌اند. آسیب‌های انسانی، اقتصادی، مالی و غیره، از کشوری به کشور دیگر و منطقه‌ای به منطقه دیگر بسی متفاوت می‌باشند. اروپای شمالی، از جمله آلمان، چون بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی، مالی، سرمایه‌داری و نئولیبرالی اروپا، کم‌تر از اسپانیا، ایتالیا و فرانسه آسیب و زیان دیده است. ژاپن، کره جنوبی و اروپای شرقی، که در مجموع زیر سلطه رژیم‌های سرمایه‌داری اقتدارگرا یا پوپولیست راست قرار دارند، با تلفات انسانی و اقتصادی کمتری توانسته‌اند بحران کورونا را از سر بگذرانند. از این رو، تصور این که پس از پاندمی کووید-19، شرایط عینی و ذهنی مناسبی برای انقلاب در ساختارهای سرمایه‌داری ملی و جهانی به سوی خروج از این نظام و یا حتی تحولی بزرگ در نفی نئولیبرالیسم فراهم خواهد گشت، بیشتر به

پندار و آرزو می‌ماند تا به تحلیلی مشخص و واقع‌بینانه از وضعیت مشخص.

در این میان، در شرایطی که اتحادیه اروپا نتوانسته است نقشی بارز در مبارزه با پاندمی به صورت مجموعه‌ای متحد و هم‌بسته ایفا کند، امکان فرورفتن هر چه بیشتر این اتحاد سیاسی و اقتصادی در تضادهای درونی‌اش، امکان رشد استقلال‌طلبی در میان برخی از کشورهای عضو اتحادیه و جدا شدن آن‌ها از سیاست‌های مشترک برای دفاع از منافع ویژه ملی خود و سرانجام امکان شکل‌گیری حاکمیت‌های خودمدارانه‌ی ناسیونالیستی در رقابت با دیگر کشورهای عضو، یعنی بنا بر این بازگشت به دوره‌ی پیشا تشکیل اتحادیه اروپا، چندان غیر قابل تصور نیست. این‌ها همه شرایطی به وجود می‌آورند که احتمال یک خیزش نوین از سوی اتحادیه اروپا برای ایجاد تغییراتی بزرگ و ساختاری در درون خود را نامتصور می‌سازند.

7- دولت چین، در سنجش با دیگر کشورهای جهان، چون رژیم و قدرتی توتالیتر و هژمون‌طلب در پهنه‌ی گیتی، از بحران کورونا، تا اندازه‌ای چشم‌گیر، موفق و پیروز سر بلند کرده است. این در حالی است که برای ما، ادعاها و اعلان‌های مقامات رژیم دیکتاتوری جمهوری خلق چین، در شرایط فقدان آزادی، دموکراسی و نهادهای مستقل در این کشور، به هیچ رو قابل اعتماد نمی‌باشند؛ چه در مورد آغاز پیدایش پاندمی کووید-19 در هوبه و مدیریت آن از ابتدا تا انتها، چه در باره‌ی علت و سررشته بروز اپیدمی و خطرات آن و چه در رابطه با ارقام تلفات اعلام شده نسبت به کل مبتلایان در سرزمینی پهناور با نزدیک به یک میلیارد و چهار صد هزار نفر.

به طور کلی، در سطح جهانی می‌توان در آینده‌ی پسا کورونا شاهد صعود برخی قدرت‌های بزرگ و افول برخی دیگر، شاهد رقابت‌های اقتصادی جدید میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، و سرانجام، شاهد ظهور یک "جنگ سرد" دیگر و جدید میان آمریکا و چین بود. چینی که می‌رود تا به زودی به بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و حتا نظامی در جهان تبدیل شود و ایالات متحده آمریکا را پشت سر گذارد. این‌ها همه اوضاعی را تشکیل می‌دهند که به خوبی می‌توان در جهان پسا کورونا، با بالارفتن چین، چون یک ابرقدرت سیادت‌طلب جهانی، و افول ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی سده گذشته، یعنی آمریکا، روسیه و اروپای غربی، متصور شد.

8- در ایران، که زیر سلطه‌ی چهل ساله‌ی یک سیستم استبدادی و تئوکراتیک به سر می‌برد، نمی‌توان استثنایی قائل شد و ادعا کرد که پیامدهای احتمالی پاندمی در این کشور نسبت به آن چه که در مورد دیگر مناطق جهان می‌توان در مجموع پیش‌بینی کرد، متفاوت باشد.

پاندمی کورونا و بی‌کفایتی‌های مرگ‌آور مقامات در مدیریت آن، که البته باید توجه کرد که تنها محدود به جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود، موجی دیگر از مشکلات را بر نابسامانی‌های بی‌شمار زندگی مردم ایران افزوده‌اند. با این همه اما به نظر نمی‌رسد که اوضاع پساکورونا در ایران نیز شرایط بهتر و مناسب‌تری برای جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی مردمی (زحمتکشان، زنان و دیگر اقشار تحت ستم و سلطه)، برای مبارزات جامعه‌ی مدنی و جریان‌های جمهوری‌خواه طرفدار دموکراسی، جدایی دولت و دین براندازی رژیم اسلامی فراهم نمایند.

ویروس کورونا نمی‌تواند مشکل‌گشای دشواری‌ها و بغرنج‌های پر شمار این سه عامل تعیین‌کننده در سرنوشت ایران، یعنی جنبش اجتماعی، جامعه‌ی مدنی و اپوزیسیون رادیکال باشد. جنبش‌های اجتماعی و جامعه‌ی مدنی در ایران، ناتوان، نامتشکل، نامتحد و پراکنده‌اند. آن‌ها همواره نیاز به زمان برای بازبینی و بازسازی خود دارند؛ از برای شکل‌دهی خود در گسست از شکل‌ها و شیوه‌های فکری و عملی سنتی و ناکارا. این همه اما، در شرایط دیکتاتوری پلیسی و استبداد، در نبود حداقل آزادی‌های دموکراتیک، بسی سخت و دشوار می‌ماند اگر ناممکن نباشد. از سوی دیگر، شکل‌گیری هم‌گرایی و هم‌کوشی جریان‌های سیاسی جمهوری‌خواهی رادیکال، در پرتو ارزش‌هایی به واقع آزادی‌خواهانه، دموکراتیک و لائیک، در نفی اقتدار/قدرت طلبی و در گسست از ایدئولوژی‌های دولت‌گرا، توتالیتر یا ناسیونالیستی، همواره با موانع و مشکلات روبه‌رو بوده و می‌باشد. احتمال می‌رود که بغرنج نظری و عملی برای پایه‌ریزی یک آلترناتیو رهایی‌خواهانه در ایران برای گذر از جمهوری اسلامی، در جهان پسا پاندمی، همچنان به سختی ادامه پیدا کند.

خلاصه کنیم. در ایران نیز، با این که شرایط سهمگین بحران اقتصادی و معیشتی و ادامه‌ی هر چه شدیدتر ستم، سلطه و سرکوب جمهوری اسلامی، در فردای پسا پاندمی، ناگزیر مردمان بسیارگونه

و مصممی را به خیابان‌ها و میادین برای مبارزه و مقاومت خواهد کشانید، اما زمینه‌های عینی و ذهنی فرارسیدن "جهانی نو"، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی، آماده نمی‌باشند. با این حال، چون وظیفه‌ای مبرم، بر فعالان رهایی‌خواه داخل و خارج کشور است که به یاری جنبش‌های اجتماعی در ایران، هم در زمینه‌ای نظری و هم عملی، بشتابند.

9- بحران عظیم اقتصادی، در سراسر گیتی، یکی از پیامدهای اصلی پاندمی کورونا می‌باشد. رشد بی‌همتای بیکاری میلیونی، فقر، گرسنگی؛ ورشکستگی انبوهی مراکز صنعتی، کارگاه‌ها، کسب و کار؛ افزایش نجومی بدهی‌های عمومی دولت و غیره... این‌ها همه عواملی هستند که به هیچ رو نمی‌توان از چشم‌انداز آینده‌ی پسا پاندمی دور ساخت. این اوضاع وخیم و سخت تا مدت‌ها نیز می‌توانند ادامه پیدا کنند.

با این حال و به رغم فراهم شدن شرایط عینی انفجاری و حتا شورشی اجتماعی، در آینده‌ی نزدیک پسا پاندمی، به باور ما، امکان برآمدن انقلابی و یا جنبشی با سیاست و استراتژی به واقع ساختارشکنانه و رهایی‌خواهانه، از سوی زحمتکشان و به طور کلی مردمان کشورهای مختلف جهان، محتمل نمی‌باشد. در حقیقت و بر خلاف تصورات واهی، بیش از همه امروز، از دید ما، شرایط برای بالا روی جریان‌های افراطی راست، ناسیونالیستی، پوپولیستی و به طور کلی جریان‌های اقتدارگرا، دولت‌گرا، واپس‌گرا و نوستالژیک به گذشته‌های دور... آماده می‌شوند؛ چه در دموکراسی‌های واقع موجود غربی و چه در کشورهای استبدادی، توتالیتار یا تئوکراتیک. در این مورد آخری، به اوضاع ایران در بالا اشاره کردیم. در نتیجه، پیش‌بینی این که رخداد پاندمیک، در فردای پایان آن، راه برآمدن سیاستی به راستی و در بنیاد نوآورانه هم در سطح ملی و هم جهانی را خواهد گشود، از دید ما، اگر توهم نباشد، پیشگویی راهی بس دشوار و درازمدت است.

ما می‌توانیم در اوضاع و احوال عینی امروزی جهان و ذهنیت (سوبژکتیویته)های حاکم بر آن، حتا پیش‌بینی‌کنیم که چه بسا شاید در آینده‌ی پسا کورونا شاهد پسردهایی بزرگ باشیم و این می‌تواند از راه آشکار شدن هر چه بیشتر و شدیدتر سیاست‌ها، عمل‌کردها و ایدئولوژی‌هایی به مراتب بدتر و خطرناک‌تر از آن چه که امروزه در

همه جا رشد و گسترش پیدا کرده‌اند، انجام پذیرد. از آن جمله است :

- رشد ناسیونالیسم‌های مختلف که بر مبنای ایدئولوژی برتری وطن، دولت - ملت و حاکمیت ملی، در رقابت و تقابل با هم قرار می‌گیرند.

- رشد راسیسم، بیگانه‌ستیزی و هویت‌گرایی در نفی دیگری و دگربودی.

- رشد ایدئولوژی‌های شبهه فاشیستی، توتالیتاریسم، تئوکراسی‌های گوناگون، تروریسم و غیره.

- رشد و گسترش پوپولیسم‌های راست و چپ که امروزه در همه جا با تبلیغ کیش "مردم" و عوام‌فریبی علیه "بالائی‌ها" و "نخبگان" ... سر بلند کرده‌اند³.

این سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های انحرافی و ارتجاعی، که احتمال می‌رود در آینده‌ی پساکورونا رشد و گسترش پیدا کنند، از نظر ما، چالش‌های دوران جدید را تشکیل خواهند داد.

10- جنبش‌های ضدسیستمی واقعی، در همه جا باید خود را، در رویارویی با چالش‌های نام‌برده در بالا، در اوضاع و احوال پساکورونا، بازتعریف، بازتولید و بازسازماندهی نمایند.

در جهان پساکورونا، که جهانی نو خواهد بود، جنبش‌های ضدسیستمی، در مبارزه برای ایجاد تغییراتی بنیادی و خلق شکل‌هایی نوین از زندگی در گسست از سلطه‌های گوناگون سرمایه، مالکیت، دولت...، اگر چه می‌توانند از امکانات و شرایط نوینی که به هر رو و با دشواری گشوده خواهند شد بهره‌برند و با تلاش‌های مداوم و کما بیش متشکل خود کامیابی‌هایی به دست آورند، اما در عین حال، باید اعتراف کرد که این جنبش‌ها دارای ناتوانی‌ها و محدودیت‌هایی ساختاری هستند که مانع از پیشرفت کامل آن‌ها می‌شوند. در نتیجه به سادگی و تنها با اراده‌گرایی نابِ فعالان اجتماعی، ولو در شرایط یک بحران بزرگ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، که از ویژگی‌های دنیای پساکورونا خواهد بود، نمی‌توان بر این موانع عینی و ذهنی چیره شد.

در جنبش‌های ضدسیستمی، خواسته‌هایی مختلف، هم مشترک و هم در عین حال گاه بسی متضاد، مطرح می‌شوند. به گونه‌ای که هم‌گرایی مطالبات «هم‌ارزش» امری بس دشوار می‌گردد. این جنبش‌ها تا کنون از ارائه آلترناتیوی نوین، ایجابی و اثباتی در برابر نئولیبرالیسم و سرمایه‌داری، به غیر از شبهه طرح‌هایی عموماً دولت‌گرا در جهت تحکیم هر چه بیشتر نقش و قدرت دولتی و بوروکراسی در تولید و توزیع ثروت، که در حقیقت چیزی جز ادامه‌ی مناسبات سلطه به شکلی دیگر نیست، باز مانده‌اند. این جنبش‌ها، از سوی دیگر، تا کنون نتوانسته‌اند در زمینه‌ی طرح یک دموکراسی مشارکتی و مستقیم، به جای دموکراسی نمایندگی واقع موجود کنونی (در کشورهای دموکراتیک)، راه‌کار و طرحی نوین ارائه دهند. آن‌ها تا کنون نتوانسته‌اند، شکل‌های نوینی از تشکل‌پذیری غیر سلسله‌مراتبی، دموکراتیک، افقی و جنبشی، در گسست از تحزب سنتی یعنی حزبی، آوانگاردی، قدرت‌طلبانه و بوروکراتیک را پیش گیرند و ایجاد کنند. این جنبش‌ها، در تداوم خود تا کنون، موفق نشده‌اند سوژکتیویته و پراتیک نوینی در زمینه‌ی شکل دیگری از زندگی و همزیستی با هم در خودمختاری، استقلال از دولت و دولت‌گرایی و به دور از سیستم و مُدل بازار، کالا، کار، تولید، مصرف‌گرایی و مالکیت سرمایه‌دارانه پایه‌ریزی نمایند. سرانجام، این جنبش‌ها، با این که ادعای استقلال از جریان‌های سنتی سیاسی را دارند، اما در پاسداری از خودمختاری خود، در پیشگیری از نفوذ و بهره‌برداری احزاب قدرت‌طلب، پوپولیست و غیره، چندان موفق نبوده‌اند.

با این همه اما، در برخی از حرکت‌های ضدسیستمی که خواست و خصلتی به واقع رهایی‌خواهانه دارند، ما شاهد شکل‌گیری مثبت عناصری، هر چند ابتدایی و جنینی، از یک ذهنیت و پراتیک انقلابی و ساختارشکن در راستای ارزش‌های ضدسرمایه‌داری و ضدسلطه / قدرت طلبی و ضد دولت‌گرایی هستیم: در رهایی از سه سلطه‌ی سرمایه، دولت و مالکیت، برای ایجاد و احیای یک شکل زندگانی اشتراکی نوین و کفایت‌مند، در نفی سیستم مبتنی بر کار مزدب‌بری و تولید-مصرف‌گرایی و این همه در آزادی، برابری و حفظ زیست بوم. در نتیجه، باید این گونه جنبش‌ها را ارج نهیم، در نیرو بخشیدن به آن‌ها، در هر جا که شکل‌می‌گیرند، در ایران و جهان، کوشا باشیم.

در جهان پساکورونا، که «نو» خواهد بود، تنها بر روی جنبش‌های ضدسیستمی رهایی‌خواهانه است که باید شرط‌بندی کرد: از برای

یادداشت‌ها

- اَلن بَدیو، <https://urlz.fr/cewJ> ، <https://urlz.fr/bt5A> ، نگاه کنید به همان‌جا .
- در باره‌ی پوپولیسیم، تعریف و مشخصات امروزی آن نگاه کنید به نوشته‌ی من : <https://urlz.fr/bt5A>

شیدان وثیق

خرداد 1399 - مه 2020

cvassigh@wanadoo.fr

www.chidan-vassigh.com

تلاش ایران از حفاظت از زندانیان کافی نیست

ترس از کووید ۱۹ در زندان‌ها
تلاش ایران برای حفاظت از زندانیان کافی نیست

ترس از کووید-19 در زندان‌های ایران
گزارشی از بنیاد عبدالرحمن برومند
برای حقوق بشر در ایران

فورمت پی‌دی‌اف (به فارسی)